

«سیاوش اوستا»

پدر بزرگی که رفته بود تانوه آش را به خانه برگرداند...



دو هفته پیش در فرانسه اتفاقی افتاد که از نظر انسانی بسیار ناپسند و اندوهگین بود، یک پیرمرد چینی که بالای ۶۰ سال عمر داشت به مدرسه نوه اش رفته بود تا او را به خانه ببرد. اما ناگهان پلیس هجوم آورده و در برابر چشمان دهها دانش آموز خردسال و معلمین و پاسخوران مدرسه پیرمرد چینی را بازداشت کرده و کودک رارها کردند. مدیر مدرسه که خانمی فرانسوی بود به عنوان اعتراض

با پلیس درگیر می شود و پلیس آن خانم را نیز بازداشت و به مدت هفت ساعت او را در کلابنتری نگهداری کرده و پس از تشکیل پرونده برای ارسال به دادگاه وی را آزاد می کنند. در پی این حادثه اعتراضات گسترده ای توسط معلمین و فرهنگیان صورت گرفت اما وزارت آموزش و پرورش طرف پلیس را گرفته و از کارمند خود دفاع نکرد. اتحادیه معلمین برای اعتراض به این مسئله تظاهراتی را برنامه ریزی کردند اما ۲۴ ساعت مانده به موعد تظاهرات وزارت دادگستری اعلام کرد که خانم مدیر مدرسه را تحت پیگرد قرار نخواهد داد با اینحال تظاهرات لغو نشد و حدود دو هزار نفر به خیابان ها ریخته و اعتراض خود را اعلام کردند.

شنبه گذشته مهمان رادیویی من آقای پیر هانری دبیرکل سازمان فرانسه سرزمین پناهندگان بود. این سازمان حدود یک چهارم قرن است که به طور جدی و انسانی از متقاضیان پناهندگی حمایت و دفاع کرده و میلیون ها دلار بودجه سالانه اش را خرج مسکن پناهندگان در هتل ها و آموزشی و پرداخت هزینه ترجمه و وکیل متقاضیان پناهندگی می کند و با کمک همین آقای پیر هانری و چند شخصیت دیگر فرانسوی بود که چند سال پیش توانستیم جان حدود چهار هزار نفر پناهنده ایرانی در عراق را که در خطر قتل عام و یا بازگرداندن به ایران بودند را نجات بدهیم.

باری آقای پیر هانری از بازداشت پدر بزرگ چینی بسیار ناراحت بود و من روی آنتن گفتیم که انجام چنین فاجعه ای حتی در کشورهای عقب افتاده و جهان سوم هم پیش نمی آید چرا در فرانسه سرزمین آزادی و ولتر و مونتسکیو ما شاهد این نوع عملیات ضد انسانی باشیم؟!

آقای پیر هانری شنوندگان را آگاه کرد که پلیس بارها از مدارس خواسته است تا لیست دانش آموزان بدون اجازه اقامت را به شهرداری اعلام کنند و از فرار معلوم در پی همین درخواست پلیس و پاسخ مدارس بوده است که بابابزرگ چینی شناسایی و بازداشت شده بود.

آقای پیر هانری گفت ۲۵ درصد ملت فرانسه حداقل یک پدر بزرگ و یا یک مادر بزرگ خارجی و غیر فرانسوی دارند. لذا این که بخواهیم پدر و مادرها را از فرزندان شان که مشغول به تحصیل هستند جدا کنیم کار خطرناکی است.

در فرانسه طی سال های گذشته هزاران هزار خارجی بدون سر و صدا و یا با سر و صدا اخراج شده اند و کک کسی هم گزیده نشده است. نیکولا سارکوزی که قوی ترین نامزد ریاست جمهوری فرانسه است و تا دیروز رئیس پلیس (وزیر کشور) هم بود رقم داده بود که در سال ۲۰۰۶ می بایست ۲۵ هزار خارجی را اخراج کند و برای رسیدن به این رقم پدر بزرگ و مادر بزرگ هم نمی شناسند. هر چند خود آقای نیکولا اصلا خارجی است و نام او هم غیر فرانسوی است. اما اگر نام عربی اسلامی نباشد، مشکلی برای بیمونن پله های ترقی ندارد.

www.awesta.net

نگاهی به کارنامه سیاسی دکتر محمد مصدق

تحقیق: دکتر جلال متینی

نآرامی ها در غیبت مصدق
در مدتی که دکتر مصدق در آمریکا به سر می برد (۱۴ مهر - ۲۷ آبان) در روزهای ۷ و ۸ و ۹ آبان سه واقعه قابل ذکر که حائز اهمیت است در تهران روی داد:
- در روز ۷ آبان «از طرف دانشجویان دانشگاه میتینگ عظیمی در تهران برپا شد، بین پلیس و دانشجویان زد و خورد شد»

- در روز ۸ آبان «عده زیادی از افراد مختلف به شورای دانشگاه هجوم بردند و با گستاخی اعضای شورای دانشگاه را مورد اهانت قرار دادند و آنان را از ساعت ۱۱ صبح تا ۷ بعدازظهر در بازداشت نگهداشتند»

- در ۹ آبان، «جمال امامی به مناسبت وقایع دانشگاه دکتر مصدق را به شدت مورد انتقاد قرار داد» (عاقلی، روزشمار، ۴۵۷/۱).

بازگشت از آمریکا با دست خالی مصدق: ما نباید تصور کنیم درآمد نفت داریم

دکتر مصدق در ۲۷ آبان از آمریکا- پس از توقف کوتاهی در مصر - به ایران بازگشت و مستقیم به کاخ شاه رفت و سپس به خانه خود. در ۳ آذر در مجلس شورای ملی حاضر شد و گفت: «از مساعی ما برای جلب موافقت دیگران نتیجه ای حاصل نشد. اکنون وظیفه مردم است که دامن همت به کمر بزنند و به اصلاح امور خود بپردازند... و از مجلس رأی اعتماد گرفت» (صفائی، ۲۰۹).

در روز ۱۹ آذر در همین مجلس اظهار داشت:
- «ما نمی بایست تصور کنیم عایدات نفت داریم، ما باید بگوئیم این مملکت نفت ندارد، این مملکت هم مثل افغانستان دارای نفت نیست. ما باید مخارج خود را بکاهیم و ملت ایران دوران پر مشققی را تحمل کند تا طوق بندگی را به گردن خود نگذارد و ما نباید تصور کنیم درآمد نفت داریم» (صفائی، ۲۰۹-۲۰۱).

اشاره مصدق به انتخابات دوره هفدهم

در چنین شرایطی دکتر مصدق در جلسه سوم آذر مجلس، موضوع انتخابات دوره هفدهم را مطرح کرد و گفت:
«من نمی خواستم در کار انتخابات دخالت کنم و می خواستم پس از آن که کار نفت تمام شد، سرنوشت کشور و انتخابات را به مسئولین آینده بسپارم، ولی اکنون این کار در مرحله ای است که شانه از زیر بار مسئولیت نمی توان خالی کرد و با تعطیل قوه مقننه هرگز موافق نبوده و نیستیم و میل ندارم مملکت با فترت روبرو شود. دولت تصمیم دارد انتخابات را شروع کند و گفت: این جانب تصمیم دارم از کوچکترین اعمال نفوذ... جلوگیری نمایم... و اجازه نمی دهم احدی در هر مرتبه و مقام

که باشد به این حق حیاتی و اساسی جامعه تجاوز کند» (صفائی، ۲۱۵-۲۱۸؛ موحد، ۳۸۷/۱).
- انتخابات در زیر نظر دکتر غلامحسین صدیقی و وزیر کشور انجام شد که بعدا به آن خواهیم پرداخت.
- در ۴ آذر «عده ای از دانش آموزان دبیرستان دخترانه نوریخش به عنوان اعتراض به اخراج یازده نفر از آنها که دست به تظاهرات توده ای زده بودند، در خیابان نادری به قوای انتظامی حمله کردند» (عاقلی، روزشمار، ۴۵۷/۱).

بخش دهم دوران نخست وزیری

مقارن دوره هفدهم مجلس شورای ملی اردیبهشت ۱۳۳۱-۲۵ مرداد ۱۳۳۲

در این بخش، پس از مقدمه ای کوتاه درباره نحوه برگزاری انتخابات دوره هفدهم، به ذکر اهم حوادث دوران نخست وزیری دکتر مصدق در دوره هفدهم مجلس شورای ملی می پردازم.

انتخابات دوره هفدهم
پیش از این گفته شد که دکتر مصدق پس از بازگشت از آمریکا، در گزارشی به مجلس گفت:

(دولت او تصمیم دارد «بلافاصله انتخابات را شروع کند» و «از کوچکترین اعمال نفوذ و تجاوز قوای دولتی در استفاده از حقوقی که مردم برای انتخاب و کالای خود دارند، جلوگیری نماید»... «گو حال آن که در گذشته گفته بود که تا آن گاه که مسئله نفت حل نشود با همین مجلس کار خواهد کرد و انتخابات را به تأخیر خواهد انداخت... ولی اوج گرفتن مخالفت ها مصدق را به این فکر انداخت تا «مخالفان دولت در مجلس گستاخ تر نشده اند انتخابات را عملی کند و... مجلسی یک دست تر و قوی تر از هواخواهان خود تشکیل دهد...» (موحد، ۳۸۷/۱، ۲۸۹).

او می خواست با همان قانون قدیمی انتخابات، مجلس دلخواه خود را تشکیل دهد که البته موفق نشد.

- «در انتخابات تهران که روز ۲۰ بهمن ۱۳۳۰ به اتمام رسید تمام وسائلی که دولت های سابق برای انتخاب نامزدهای خود به کار می بردند، اعمال شد و همه نامزدهای دولت انتخاب گردیدند و عده آرائی که خواننده شد بالغ بر یک صد و چهل هزار رای بود و آشکار می ساخت که همان آلات و ابزار سابق به کار گرفته شده است تا این عده انتخاب گردند به خصوص که چند نفر از کاندیداهای دولت اشخاص نسبتا گمنامی بودند که نام آنها را هم مردم تا قبل از انتخابات شنیده بودند...» (فاتح، ۵۹۶).

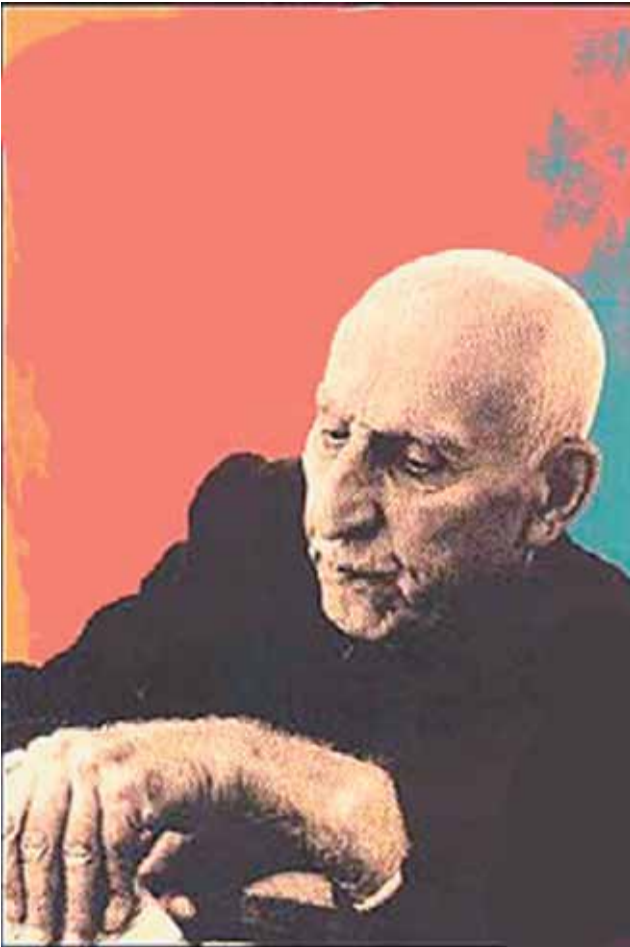
اما دکتر کاتوزیان درباره انتخابات این دوره نوشته است:
(«امام جمعه... در انتخابات تهران - که یکی از آزادترین انتخابات دوره مشروطه بود وکیل نشد» سپس درباره متوقف شدن انتخابات در

به این نتیجه می رسید، یا- چنان که رسم دیگران بود- با تطمیع و ارتشاء و تهدید و ارعاب و اعمال زور ۹۵ درصد آراء را به سود خود اعلام می کرد و ۱۳۶ تن وکیل برای خود به مجلس تحویل می داد.»
به علاوه «دامه انتخابات در نقاطی که در آن متوقف شده بود در دست مجلس اراده می کرد، انتخابات در آن نواحی نیز به پایان می رسید و این مجلسی بود که اکثریت قاطع آن هوادار نهضت ملی نبود. اگر مجلس چنین نکرده، درست به این دلیل بود که نمی خواست مسئولیت اغتشاش و کشتاری را که به آن منجر می شد بپذیرد» (کاتوزیان، «معاصی کبیره...»، ۳۰۱-۳۰۳).

دخالت در انتخابات

انتخابات تهران بر طبق پسند دکتر مصدق انجام شد. ولی مشکل اساسی انتخابات شهرستان ها بود. به منظور جلوگیری از اعمال نفوذ در انتخابات، فرمانداران و بخشداران جدید برای هر محل به قید قرعه انتخاب شدند... «برای هر حوزه انتخابی یک بازرس ناظر از قضات دادگستری نیز فرستاده می شد» با وجود این کفیل وزارت دارائی در بخشنامه محرمانه نهم دی ماه ۱۳۳۰ به رؤسای دارائی نوشت: بنابه امر جناب آقای نخست وزیر و توصیه حضرت آیت الله کاشانی... با استفاده از بودجه و ترقیعات کارمندان توصیه نمائید کارمندان آراء خود را به نفع کاندیداهای ملی به صندوق بریزند» (صفائی، ۲۱۶).

دکتر موسوی نوشته است وقتی بازرسان قضائی انتخاب شدند قرار شد در روز معین همه برای معارفه پیش نخست وزیر برویم. وزیر دادگستری شمس الدین امیرعلائی به ما توصیه کرد که «به علت بالا بودن سن و ضعیف بودن دکتر مصدق خیلی صحبت نکنیم» نخست وزیر با لباس مرتب و سر حال وارد شد. از دیدار ما اظهار خوشوقتی کرد و تذکر داد که «در کار نظارت دقیق باشیم به گونه ای که انتخابات با بی طرفی انجام شود.



«بعد گفت:» حالا من منتظر سوالات شما هستم. «ولی هیچ یک از قضات» شاید به توصیه امیر علائی چیزی نگفت. دکتر مصدق سخن خود را تکرار و اصرار کرد که مسائل باید از راه سوال و جواب بررسی و برطرف شود... در این موقع عقلمی مستشار دیوان کشور که در ابتدای صف قضات و سمت چپ دکتر مصدق ایستاده بود «ضمن سپاسگزاری از ابتکار نخست وزیر در انتخاب بازرسان قضائی گفت دولت برای تأمین امنیت بازرسان انتخاباتی چه اقداماتی به عمل آورده است؟

دکتر مصدق بدون کوچکترین تأملی همزمان که لب به سخن می گشود، دست در جیب کرد و دستمالی در آورد و در حالی که بلند گریه می کرد، طوری که به زحمت می شد گفته هایش را فهمید، گفت: آقای عقلمی اگر این صحبت ها را این جوان ها (با اشاره به من) می گفتند می شد گفت که جوان هستند، آخر من و شما که پیر هستیم و باید بمیریم... صدای گریه نخست وزیر و عدم تعادل وی برای سرپا ایستادن، وزراء و دیگران را به گرفتن او که زمین نخورد واداشت. در این ضمن امیر علائی هم بیچاره عقلمی را سرزنش می کرد... به این ترتیب دکتر مصدق را به اطاق خود بردند و مراسم معارفه و آشنائی نیز بدینگونه پایان گرفت... (دکتر موسوی، ۱۴۸-۱۵۱).

علی رغم نظر مصدق، این تنها دربار و ارتش نبودند که به دستور وی عمل نکردند. ملاکین بزرگ و روحانیون که از نفوذ حزب توده بیمناک بودند نیز همه به میدان آمدند. از سوی دیگر به نوشته حسین مکی برخی از زعمای جبهه ملی مانند دکتر حسین فاطمی، دکتر بقائی و آیت الله کاشانی به نفع کاندیداهای مورد نظر خود در انتخابات دخالت می کردند. دکتر مصدق گرچه درباره هیچ نامزدی نظر مثبت نمی داد. اما به روایت مکی درباره بعضی از حوزه های انتخابیه... نظر منفی داشت و بدین جهت انتخابات را در آن شهرها متوقف می ساخت

«بعد گفت:» حالا من منتظر سوالات شما هستم. «ولی هیچ یک از قضات» شاید به توصیه امیر علائی چیزی نگفت. دکتر مصدق سخن خود را تکرار و اصرار کرد که مسائل باید از راه سوال و جواب بررسی و برطرف شود... در این موقع عقلمی مستشار دیوان کشور که در ابتدای صف قضات و سمت چپ دکتر مصدق ایستاده بود «ضمن سپاسگزاری از ابتکار نخست وزیر در انتخاب بازرسان قضائی گفت دولت برای تأمین امنیت بازرسان انتخاباتی چه اقداماتی به عمل آورده است؟

دکتر مصدق بدون کوچکترین تأملی همزمان که لب به سخن می گشود، دست در جیب کرد و دستمالی در آورد و در حالی که بلند گریه می کرد، طوری که به زحمت می شد گفته هایش را فهمید، گفت: آقای عقلمی اگر این صحبت ها را این جوان ها (با اشاره به من) می گفتند می شد گفت که جوان هستند، آخر من و شما که پیر هستیم و باید بمیریم... صدای گریه نخست وزیر و عدم تعادل وی برای سرپا ایستادن، وزراء و دیگران را به گرفتن او که زمین نخورد واداشت. در این ضمن امیر علائی هم بیچاره عقلمی را سرزنش می کرد... به این ترتیب دکتر مصدق را به اطاق خود بردند و مراسم معارفه و آشنائی نیز بدینگونه پایان گرفت... (دکتر موسوی، ۱۴۸-۱۵۱).

علی رغم نظر مصدق، این تنها دربار و ارتش نبودند که به دستور وی عمل نکردند. ملاکین بزرگ و روحانیون که از نفوذ حزب توده بیمناک بودند نیز همه به میدان آمدند. از سوی دیگر به نوشته حسین مکی برخی از زعمای جبهه ملی مانند دکتر حسین فاطمی، دکتر بقائی و آیت الله کاشانی به نفع کاندیداهای مورد نظر خود در انتخابات دخالت می کردند. دکتر مصدق گرچه درباره هیچ نامزدی نظر مثبت نمی داد. اما به روایت مکی درباره بعضی از حوزه های انتخابیه... نظر منفی داشت و بدین جهت انتخابات را در آن شهرها متوقف می ساخت

دکتر موسوی نوشته است وقتی بازرسان قضائی انتخاب شدند قرار شد در روز معین همه برای معارفه پیش نخست وزیر برویم. وزیر دادگستری شمس الدین امیرعلائی به ما توصیه کرد که «به علت بالا بودن سن و ضعیف بودن دکتر مصدق خیلی صحبت نکنیم» نخست وزیر با لباس مرتب و سر حال وارد شد. از دیدار ما اظهار خوشوقتی کرد و تذکر داد که «در کار نظارت دقیق باشیم به گونه ای که انتخابات با بی طرفی انجام شود.

دکتر موسوی نوشته است وقتی بازرسان قضائی انتخاب شدند قرار شد در روز معین همه برای معارفه پیش نخست وزیر برویم. وزیر دادگستری شمس الدین امیرعلائی به ما توصیه کرد که «به علت بالا بودن سن و ضعیف بودن دکتر مصدق خیلی صحبت نکنیم» نخست وزیر با لباس مرتب و سر حال وارد شد. از دیدار ما اظهار خوشوقتی کرد و تذکر داد که «در کار نظارت دقیق باشیم به گونه ای که انتخابات با بی طرفی انجام شود.

دکتر موسوی نوشته است وقتی بازرسان قضائی انتخاب شدند قرار شد در روز معین همه برای معارفه پیش نخست وزیر برویم. وزیر دادگستری شمس الدین امیرعلائی به ما توصیه کرد که «به علت بالا بودن سن و ضعیف بودن دکتر مصدق خیلی صحبت نکنیم» نخست وزیر با لباس مرتب و سر حال وارد شد. از دیدار ما اظهار خوشوقتی کرد و تذکر داد که «در کار نظارت دقیق باشیم به گونه ای که انتخابات با بی طرفی انجام شود.

دکتر موسوی نوشته است وقتی بازرسان قضائی انتخاب شدند قرار شد در روز معین همه برای معارفه پیش نخست وزیر برویم. وزیر دادگستری شمس الدین امیرعلائی به ما توصیه کرد که «به علت بالا بودن سن و ضعیف بودن دکتر مصدق خیلی صحبت نکنیم» نخست وزیر با لباس مرتب و سر حال وارد شد. از دیدار ما اظهار خوشوقتی کرد و تذکر داد که «در کار نظارت دقیق باشیم به گونه ای که انتخابات با بی طرفی انجام شود.

دکتر موسوی نوشته است وقتی بازرسان قضائی انتخاب شدند قرار شد در روز معین همه برای معارفه پیش نخست وزیر برویم. وزیر دادگستری شمس الدین امیرعلائی به ما توصیه کرد که «به علت بالا بودن سن و ضعیف بودن دکتر مصدق خیلی صحبت نکنیم» نخست وزیر با لباس مرتب و سر حال وارد شد. از دیدار ما اظهار خوشوقتی کرد و تذکر داد که «در کار نظارت دقیق باشیم به گونه ای که انتخابات با بی طرفی انجام شود.